

تبیین جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی بر سازگاری اجتماعی (مورد شناسی: ساکنان مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان)

محمدرضا نظارتی‌زاده (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان)

رضا اسماعیلی* (استادیار و هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خورسکان))

اصغر محمدی (استادیار و هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان)

چکیده

تغییر ساختار کاربری فضایی شهرها موجب تشدید مسائل اجتماعی از جمله کاهش سازگاری اجتماعی در میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی شهری شده‌است. به‌همین منظور در پژوهش حاضر، رابطه سرمایه فرهنگی با سازگاری اجتماعی در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی مناطق شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ با ترکیبی از نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفت. پژوهش حاضر به روش پیمایشی و مصاحبه مشارکتی انجام شد و داده‌ها با ابزار پرسشنامه با پایایی و روایی مناسب، به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای جمع‌آوری شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد و خانوارهای ساکن مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان می‌شود که حدود ۱۱۵۵۸۰۰ نفر هستند و تعداد ۳۸۵ نفر از ساکنان، مطابق با فرمول کوکران به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی، تحلیل مسیر و مدل معادله ساختاری و همچنین آزمون آنوا به کمک نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شد. براساس نتایج تحقیق، بین سرمایه فرهنگی و سازگاری اجتماعی ساکنان، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بین میزان تحصیلات و سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. کمترین میزان سازگاری اجتماعی در مقطع فوق‌لیسانس و بالاتر و بیشترین میزان سازگاری اجتماعی در مقطع سیکل و راهنمایی است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بین طول مدت سکونت و وضعیت اشتغال با سازگاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۳ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۳۹۹

صفحات: ۱۶۴-۱۴۳



کلید واژه‌ها:

سازگاری اجتماعی، سرمایه فرهنگی، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، مجتمع مسکونی

* نویسنده مسئول: دکتر رضا اسماعیلی

پست الکترونیک: r.esmaeili@khuif.ac.ir

مقدمه

امروزه بیشتر مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و جمعیت شهرنشین با شتابی فزاینده به‌ویژه در کشورهای به‌اصطلاح کمتر توسعه‌یافته در حال افزایش است. مجموعه‌ای این عوامل باعث بروز مسائل و مشکلاتی مانند افزایش دامنه نابرابری‌های اجتماعی، ناسازگاری، فقر، بزه‌کاری، تنزل ارزش‌ها و حتی تغییراتی در هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی افراد نسبت به گذشتگان خود شده است. مجموعه فوق و عوامل دیگر سبب شده‌اند که انسان شهری در چارچوب محدودتر و در جمع نسبتاً کوچک‌تری از کل جامعه شهری زندگی کند و تنها در جمع محدودتری که یکدیگر را می‌بینند و نسبت به هم توجه دارند، گذر عمر کنند. انقلاب صنعتی در غرب، انقلابی بود که موجب تغییرات ساختاری در تمام ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ شد. افزایش شتابان جمعیت شهرنشین و برخورد با موانع طبیعی و مواجه شدن با مسائل بوم‌شناختی، باعث رشد عمودی شهرها و نیازمند استفاده از حداقل فضا برای حداکثر افراد شد.

کشورهای توسعه‌یافته همراه با گسترش فیزیکی شهر و رشد متعادل جمعیت شهرنشین، اقدام به حل مشکلات به شیوه علمی کردند؛ یعنی از مدل و نظریه‌هایی که خود ساخته و پرداخته بودند، در جهت حل مشکلات خود به کار بردند. این امر به دلیل انطباق نظریه با واقعیت، مشکلات کمتری به همراه داشت؛ اما در کشورهای جهان سوم وضع به گونه دیگری رقم خورد. تکنولوژی‌ها و تجلیات مادی بدون مدل‌سازی وارد شد، الگوی رشد جمعیت بدون تغییر به بقای خود ادامه داد و در کنار سایر عوامل، انفجار جمعیت را موجب شد. از جمله پیامد این وضعیت را می‌توان شهرنشینی حاد^۱ دانست. پیامد این پدیده، تقاضای زیاد برای مسکن

است که به علت محدودیت گسترش شهرها، راه‌حل جدیدی را می‌طلبد. بروز این پدیده در ایران، مدیران و برنامه‌ریزان شهری را به روی آوردن به بلندمرتبه‌سازی تشویق کرد. از سویی دیگر، رشد جمعیت شهری و گذر زمان در چند دهه گذشته، در نحوه شکل زندگی مردم تغییرات اساسی و بنیادینی به‌وجود آورده است و از سوی دیگر، خارج شدن خانه‌ها از فضایی که وسعت آن امروزه برای نسل جدید کمتر در تخیل می‌گنجد و تبدیل شدن آن‌ها به خانه‌هایی در ابعادی کوچک‌تر، به گونه‌ای که هر خانه روی خانه‌ای دیگر بنا شده، مدلی از زندگی را به نام مجتمع مسکونی و آپارتمانی به‌وجود آورده است؛ مدلی که زندگی در آن برخلاف زندگی در خانه‌های حیاط‌دار و بزرگ، تابع قواعد و قوانین خاص خودش است. بررسی پژوهش‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که اغلب ساکنان مجتمع‌های مسکونی با شرایط سکونت در مجتمع، سازگاری لازم را نیافته و اجبار در پذیرش این نوع سکونت، مغایر با فرهنگ و نگرش جامعه سنتی و ناآشنا به قوانین و فرهنگ آپارتمان‌نشینی، محیط‌های مجتمع‌های مسکونی را به فضایی تنش‌زا تبدیل کرده است. رضایت از سکونت در مجتمع‌های مسکونی فقط به دلیل مشکلات مالی و آرزوی داشتن یک واحد مسکونی است (شکوهی، ۱۳۸۲: ۴۸۹) و به دلیل نبود برخورد مناسب با پدیده بلندمرتبه‌سازی و آپارتمان‌نشینی در ایران و در نظر گرفتن علایق و نگرش‌های ساکنان آن‌ها، همواره مسائل و مشکلات و نارسایی‌هایی در نحوه استفاده از این بناها وجود داشته است (گلابچی، ۱۳۸۰: ۵۳).

در جامعه ایران به‌نظر می‌رسد سازگاری اجتماعی^۲ میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی، در دو دهه اخیر به مانند فرسایش آن در سطح کلان اجتماعی به دلایلی

می‌یابد و به تضعیف انسجام مکانیکی میان ساکنان این مجتمع‌ها می‌انجامد. همین امر موجب فاصله اجتماعی می‌شود و نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد. روابط اجتماعی داخل یک مجتمع مسکونی و سطح اقتصادی و فرهنگی ساکنان امکان شکل‌گیری امنیت و سازگاری اجتماعی را برای زندگی اجتماعی مردم فراهم می‌سازد؛ اما در اصفهان در سه دهه اخیر، این پدیده به شدت تضعیف شده است. شهری که نیازمند افزایش بار عاطفی و تعاملات افراد است؛ به بیان دیگر، به دلیل فقدان معنا و مفهوم دیرینه همسایگی، سطح روابط شهروندان در مجتمع‌ها و میزان سازگاری آن‌ها به یک وضعیت ناهنجاری رسیده است و این نکته‌ای است که باید به بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر آن پرداخت. با توجه به مطالب گفته شده، زندگی در مجتمع‌های مسکونی، نیازمند تغییر برخی الگوهای رفتاری است. تغییر در رفتار نیز نیازمند زمان است که همگام با زندگی در این مجتمع‌ها پیش می‌رود. با توجه به اینکه سرمایه فرهنگی از جمله متغیرهایی است که می‌تواند بر میزان سازگاری افراد تأثیرگذار باشد، پژوهش حاضر به دنبال بررسی جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی بر سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی است. در پژوهش حاضر، کوشش می‌شود تا به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا سرمایه فرهنگی با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان رابطه دارد؟ اهداف پژوهش به شرح زیر است:

الف - هدف کلی:

بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی.

ب - اهداف جزئی:

- بررسی رابطه بین میزان تحصیلات با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی؛

رو به کاهش بوده است و این مفهوم می‌تواند در ارتباط با فرایند سرمایه فرهنگی^۱ پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری داشته باشد؛ از این رو بایستی همه افراد و شهروندان برای تقویت سازگاری اجتماعی همسایگان با یکدیگر تلاش جدی داشته باشند و هم‌افزایی کنند. زندگی آپارتمانی نه تنها مسئله همزیستی جمعی را حل نکرده، بلکه معضلات اجتماعی و روانی زیادی نیز پیش‌روی جامعه قرار داده است. با وجود نزدیک شدن ساختمان‌ها و کوتاه شدن فاصله‌های انسانی در حد یک دیوار یا سقف، فاصله روحی و روانی انسان‌ها هر روز به مراتب بیشتر از هم دور می‌شود. همکاری، همفکری، همدلی و همزبانی و به‌طور کلی همزیستی جمعی در زندگی آپارتمانی هر روز بیشتر رنگ می‌بازد. در مقابل، مسائل بغرنج اجتماعی و حقوقی در میان آنان بیشتر خودنمایی می‌کند. از طرف دیگر امروزه، تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی، شخصیت انسان امروزی را چنان بی‌ثبات کرده است که سازگاری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی را به یک مسئله اجتماعی تبدیل کرده است. این روند به‌ویژه در جامعه ایران و به‌خصوص اصفهان، نمود بیشتری دارد. اصفهان به‌عنوان یک کلان‌شهر و دارابودن ویژگی‌های کلان‌شهری، به‌طور عام و مجتمع‌های مسکونی به‌طور خاص نیز با مسئله سازگاری اجتماعی مواجه بوده است. از جمله این ویژگی‌ها، سلطه عقلانیت و روحیه حسابگری و رشد روابط مبتنی بر اقتصاد پولی و نه روابط مبتنی بر احساسات و عواطف، محافظه‌کاری، عدم‌تجانس و ناهمگونی شهرها به دلیل هجوم مهاجران و مردمانی با ریشه‌های فرهنگی و قومی و نژادی مختلف و با سطح زندگی متفاوت، موجب بروز ناهماهنگی و تضاد در درون شهر شده و زندگی در مجتمع‌های مسکونی را دشوار می‌سازد. در چنین وضعیتی، ناهنجاری گسترش

3- Social Capital

فردی، سازگاری او با دیگران است. رشد اجتماعی نه تنها در سازگاری با اطرافیان که فرد با آن‌ها در ارتباط است مؤثر است، بلکه بعدها در میزان موفقیت شغلی و تحصیلی او تأثیر دارد (وایتسمن، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

ابعاد سازگاری شامل سازگاری اخلاقی، روانی، اجتماعی و جسمانی است که در رأس آن‌ها سازگاری اجتماعی قرار دارد (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۴: ۱۴). سازگاری اجتماعی دارای مؤلفه‌ها و نشانه‌های خاصی است که می‌توان به استقلال، مسئولیت‌پذیری، آینده‌نگری، توانایی تصمیم‌گیری، حفظ تعادل و میانه‌روی در زندگی اشاره کرد (حجاری، ۱۳۸۴: ۳۲).

دیدگاه‌های نظری در مورد سازگاری اجتماعی

بنا بر اهمیت موضوع، به برخی از دیدگاه‌های موجود پیرامون سازگاری از دید نظریه‌پردازان مختلف پرداخته می‌شود: برای دریافت دقیق‌تر موضوع، نیاز است که به مبانی نظری مرتبط با پژوهش پرداخته شود. در این بخش، از نظریه‌های برخی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر در زمینه سازگاری استفاده شده است. سازگاری به لحاظ روان‌شناسی عبارت است از تطبیق با محیط به منظور رفع نیازهای فردی (پورمقدس، ۱۳۶۷: ۳)؛ بنابراین سازگاری فرایندی اجتماعی است که برآیند تأثیر عوامل متعدد فردی، خانوادگی و محیطی است و پدیده‌ای تک‌علیتی محسوب نمی‌شود؛ از این رو محققان به بررسی عوامل متعددی پرداخته‌اند که در سازگاری شخصی و اجتماعی افراد نقش دارند (زکی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

به سازگاری از دیدگاه جامعه‌شناسی نیز توجه شده است؛ مانند: مرتون، پارسونز، دورکیم و... که به طور خلاصه به برخی از نظریه‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- بررسی رابطه بین طول مدت سکونت با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی؛
- بررسی رابطه بین وضعیت اشتغال با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی.

مبانی نظری

تعاریف و مباحث نظری مربوط به سازگاری اجتماعی
منظور از سازگاری رابطه‌ای است که میان فرد و محیط او، به‌ویژه محیط اجتماعی وجود دارد و به او امکان می‌دهد تا نیازها و انگیزه‌های خود را پاسخ گوید. فرد زمانی از سازگاری بهره‌مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی رابطه‌ای سالم برقرار کند و انگیزه‌های خود را ارضاء کند؛ در غیر این صورت او را ناسازگار قلمداد می‌کنیم. در واقع سازگاری با محیط، مهارتی است که باید آموخته شود (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۴: ۱۸).
گوداشتاین و لانیون^۱ سازگاری را فرایند پیوسته‌ای تعریف کرده‌اند که در آن، تجارب یادگیری اجتماعی شخصی، باعث ایجاد نیازهای روانی می‌گردد و نیز امکان کسب توانائی و مهارت‌هایی را فراهم می‌سازد که از طریق آن می‌توان به ارضای نیازها پرداخت (Goodstein & lanyon, 1995:37). انجمن روان‌پزشکان آمریکا (۱۹۹۴) سازگاری اجتماعی را چنین تعریف کرده است: هماهنگ‌ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجان‌ها یا نگرش‌هاست (حجاری، ۱۳۸۴: ۳۵). سازگاری اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان از مباحثی است که توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. رشد اجتماعی مهم‌ترین جنبه رشد وجود هر شخص محسوب می‌شود و مهم‌ترین نشانه سلامت روان است. معیار اندازه‌گیری رشد اجتماعی هر

1 - Goodstein & lanyon

قوی و سالم باشد تا بتواند میان دو پایگاه دیگر شخصیت یعنی «من» و «فرامن»، تعادل و هماهنگی ایجاد کند تا این‌ها بتوانند به وظایف خود به خوبی عمل کنند. در عین حال «من» زمانی آن قدر قوی و توانمند خواهد بود که فرد را به مقامی برساند که در برخورد با مشکلات، از مکانیزم‌های دفاعی استفاده نکند (همان: ۸۶).

سازگاری از دیدگاه شناختی: از دیدگاه روان‌شناختی، انسان سازگار به کسی اطلاق می‌شود که توانایی و قدرت پردازش صحیح اطلاعات را داراست و چون قادر به چنین کاری است، یک نظام ارزشی واقع‌بینانه برای خود تنظیم می‌کند تا تحت تأثیر نوسانات روانی دردناک و اختلالات با دیگران قرار نگیرد. این روند به او کمک می‌کند تا به احساس بهتری دست یابد، اما پردازش اطلاعات مبتنی بر این فرض است و طی آن برخی از عملیات منحصر به فرد و مشخص بر روی اطلاعات ورودی انجام می‌گیرد. یک فرد سازگار باید در همه اجزا و اطلاعات توان عمل کردن به شیوه سالم را داشته باشد تا از خطاهای شناختی که پایه و اساس ناسازگاری است، جدا بماند (همان: ۹۲).

سازگاری از دیدگاه پدیدارشناختی: در رابطه با متغیر سازگاری اجتماعی براساس دیدگاه پدیدارشناختی^۴ درک هر فرد از جهان، یگانه است. این ادارک‌ها میدان پدیداری فرد را می‌سازد. انسان‌ها همان‌گونه به محیط واکنش نشان می‌دهند که آن را درک می‌کنند. میدان پدیداری فرد، شامل ادارک‌های هشیار و ناهشیار اوست. ادراک‌هایی که فرد نسبت به آن‌ها آگاهی دارد یا ندارد؛ اما تعیین‌کننده مهم رفتار - به خصوص در انسان‌های سالم - ادراک‌هایی است که می‌توانند به صورت آگاه جلوه کنند. میدان پدیداری

مرتون^۱ در مقاله مشهورش با عنوان «ساختار اجتماعی و بی‌هنجاری»، سازگاری‌ای را توصیف می‌کند که ممکن است در جایی بروز کنند که تأثیر نظم معیارهای جمعی ضعیف شده باشد. او وضعیتی را معرفی می‌کند که در آن از نظر فرهنگی، هدف‌های تعیین شده با وسایل مناسب برای رسیدن به آن هدف‌ها سازگاری ندارند. پارسونز مدعی است که کنش اجتماعی دارای دو جنبه است؛ یعنی آنچه که فرد در صدد آن است، بستگی به دو جنبه دارد: یکی آنچه که فرد خود علاقه‌مند به انجام آن است و دیگری آنچه که دیگران از او توقع دارند. پارسونز^۲ معتقد است افراد برای اینکه به توافق برسند باید مطابق با انتظارات یکدیگر عمل کنند. در این صورت نه تنها رضایت فردی مورد نظر به دست می‌آید، بلکه رضایت یکدیگر را نیز فراهم کرده‌اند. دورکیم^۳ در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» دو نوع خاصی از همبستگی در جامعه را تشخیص می‌دهد؛ همبستگی مکانیکی که ناشی از تشابه و سازگاری میان افراد است و در آن تخصص‌ها تنوع چندانی ندارند و همبستگی آرگانیکی که اساس آن بر عدم شباهت و تجانس و تضاد افراد است.

سازگاری از دیدگاه زیست‌شناختی: پژوهشگرانی که به این مکتب وابسته‌اند، اغلب پیشنهاد می‌کنند که پاره‌ای از زمینه‌های بیولوژیکی فرد گرایش به رفتار ناسازگاران را تسهیل می‌کنند و زمانی که فرد در معرض روابط ناسازگاران قرار می‌گیرد، زمینه بیولوژیکی فرد با روابط نامطلوب و نامناسب محیط، عامل اصلی مکانیسم گرایش به ناسازگاری می‌شود (اسلامی نسب، ۱۳۷۴: ۸۳).

سازگاری از دیدگاه روان تحلیلی: در دیدگاه روان تحلیلی، به فردی سازگار گفته می‌شود که واجد «من»

1 -R.Merton

2 -T.Parsons

3 -E.Durkeim

4 -Phenomenological view

۱- سرمایه فرهنگی تجسم یافته^۳ (بدنی و فردی): این سرمایه با کوشش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با دارنده آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن را به دیگری واگذار کرد؛ مانند حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۷) و سطح سواد یا تحصیلات والدین در این زمینه تأثیر به‌سزایی دارد. والدین و به‌خصوص مادران در دوران اولیه زندگی کودک بیشترین وقت را با او می‌گذرانند و تأثیر بسیار شگرفی بر او می‌گذارند. کودکان نیز از طریق فرایند همانندسازی از رفتار، منش‌ها و حالت‌های عاطفی والدین الگوبرداری می‌کنند؛ بنابراین والدین تحصیل کرده که نسبت به این‌گونه مسائل آگاهی دارند، تلاش می‌کنند از طریق بروز رفتارهای مناسب و حتی احیاناً از طریق اصلاح رفتار خود، الگوی مناسبی برای فرزندان خود فراهم سازند (حقیقتیان، ۱۳۹۳: ۵۶).

۲- سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۴: مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، تکنولوژی ماشینی، قوانین علمی که به‌صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده است. این نوع سرمایه به‌صورت خرید و فروش، واگذاری و وراثت قابل انتقال به دیگران است. این مالکیت انحصاری به‌علت مجاورت و سهولت دسترسی و امکانات جانبی، بر روی مالکان آن سرمایه تأثیر تربیتی و آموزشی دارد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۷) و می‌تواند دسترسی فرد به منابع فرهنگی را آسان‌تر و بیشتر کند و دشواری‌های یادگیری را بکاهد (حقیقتیان، ۱۳۹۳: ۵۷).

۳- سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۵ (ضابطه‌ای): این سرمایه فرهنگی به کمک ضوابط اجتماعی و به‌دست‌آوردن عناوین، برای افراد موقعیت کسب می‌کند؛ مانند مدرک تحصیلی، تصدیق و گواهی حرفه

اصولاً دنیای خصوصی انسان را تشکیل می‌دهد؛ از این رو می‌توانیم این دنیا را آن‌طور که افراد درک می‌کنند ببینیم و رفتار را از دریچه‌های چشم آن‌ها و با معنای روان‌شناختی که برای آن‌ها دارد، تبیین کنیم (راجرز^۱، ۱۹۵۱؛ به‌نقل از پروین، ۱۳۷۴: ۹۱).

تعاریف و مباحث نظری مربوط به سرمایه فرهنگی

از نظر بوردیو^۲، سرمایه فرهنگی عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۴۷). بوردیو تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی فرهنگی افراد را با توسل به نظریه «تمایز» تبیین می‌کند. مطابق با این نظریه، دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد، با مصرف فرهنگ و هنر متعالی خود را از بقیه متمایز می‌کند. داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر است و گرایش به فرهنگ و هنر متعالی، ناشی از شایستگی ارتباطی بیشتر دارندگان این ظرفیت شناختی و کنجکاوی بیشتر ایشان برای رمزگشایی از محصولات فرهنگی است. بدین ترتیب سرمایه فرهنگی از مسیری فردی-ذهنی و نه براساس راهبردی اجتماعی مبارزه جویانه سبب گرایش افراد به سبک زندگی فرهنگی خاصی می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲).

به عقیده بوردیو سرمایه فرهنگی، به سه مقوله قابل تفکیک است: الف- سرمایه فرهنگی تجسم یافته؛ ب- سرمایه فرهنگی نهادینه شده؛ ج- سرمایه فرهنگی عینیت یافته.

به باور بوردیو، سرمایه فرهنگی به سه شکل می‌تواند وجود داشته باشد:

3 - Embodied
4 - Objectified
5 - Institutionalized

1 - Rogers
3 - Pier Bourdiou

دارد؛ ولی بین زنان و مردان در تعاملات همسایگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

شارع پور و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی «عوامل مؤثر بر میزان روابط همسایگی در شهر بابل» پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که روابط همسایگی در این شهر کمتر از حد متوسط یا ضعیف است؛ چون در واقع با ضعیف شدن، پیوندهای سنتی، ارتباطات خویشاوندی، باورهای دینی مشترک و بی‌اعتمادی اجتماعی در شهر، روابط همسایگی نیز تضعیف می‌شود؛ اما هر قدر سال‌های سکونت افراد در یک محل بیشتر باشد، میزان روابط همسایگی بیشتر می‌شود. همچنین متغیرهای اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی و دین‌داری بر روابط همسایگی تأثیر داشته‌است. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین عامل تأثیرگذار بر روابط همسایگی، متغیر اعتماد اجتماعی است. پس از آن عامل دین‌داری و احساس امنیت بر میزان روابط همسایگی تأثیر بیشتری داشته؛ اما حمایت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر روابط همسایگی نداشته‌است.

پژوهش‌های خارجی

یافته‌های تحقیق چیشر، فیتزجرالد، کلارک و ریموند^۱ (۲۰۱۳) درباره «تعاملات همسایگی با استفاده از داده‌های سرشماری کشور استرالیا» نشان دادند که تنوع قومی سبب کاهش روابط همسایگی می‌شود و در مقابل، هرچه مشابهت قومی، نژادی و دینی بیشتر باشد، تعاملات و روابط همسایگی نیز بیشتر می‌شود. ایجک^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «همسایه خوب در محله بد» به بررسی «ارتباط بین عوامل مؤثر بر روابط همسایگی» پرداخته‌است. نتایج نشان داد که تنوع قومی و نژادی باعث اختلال و درگیری شده و در نتیجه باعث کاهش روابط و تعامل همسایگان با یکدیگر شده‌است.

و کار. این سرمایه نیز قابل واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معینی بستگی دارد و سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی را به وجود بیاورد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۷).

پیشینه پژوهش

(پژوهش‌های داخلی)

ابراهیم‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله خود به بررسی «آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی آن در شهر زاهدان» پرداخته‌است. نتایج مشکلات آپارتمان‌نشینی در شهر زاهدان نشان داد که تنوع فرهنگی بسیار زیاد بین ساکنان، به دلیل وجود خرده فرهنگ‌های متفاوت باعث تضاد فرهنگی می‌شود. همین عوامل باعث می‌شود تا روابط صحیح در واحدهای مسکونی شکل نگیرد و ناسازگاری و تنش در این مجتمع‌ها دیده شود.

کوثری (۱۳۹۴) در پژوهش خود به مطالعه «تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی در محله کن تهران» پرداخت. نتایج نشان داد که متغیرهای نوع نگرش به اوقات فراغت، نگرش به ارزش‌های همسایگی، انزوای طلبی و دین‌داری، تأثیر معناداری بر روابط همسایگی داشته‌اند. متغیر نگرش به ارزش‌های همسایگی دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته تحقیق بود و از طرف دیگر، متغیر نگرش به اوقات فراغت نیز کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق داشت.

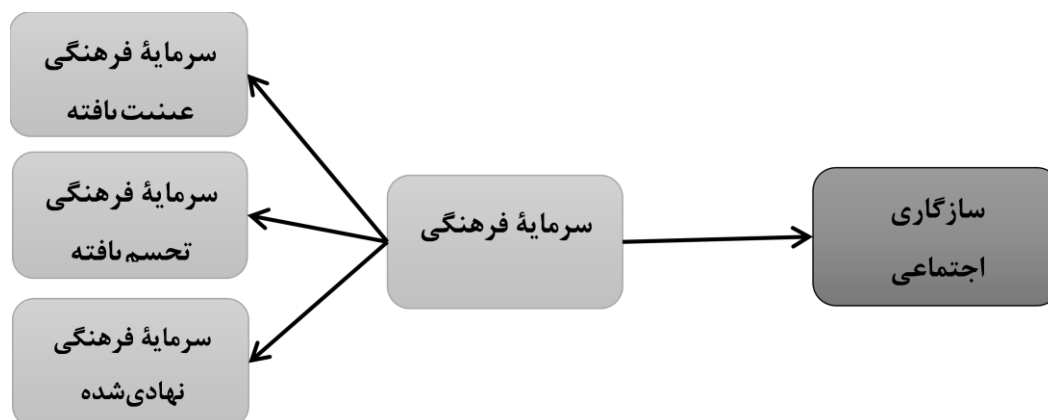
خطیبی (۱۳۹۶) به بررسی «تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر نشاط اجتماعی شهروندان شهر همدان» پرداخته‌است. نتایج نشان داد که بین تعاملات همسایگی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود

1 - Cheshire and Fitzgerald and Clarke and Raymond

2 - Eijk

زندگی مطالعه‌ای در کشور کره جنوبی»، مطالعه کردند که چگونه اختلاف در میزان سرمایه فرهنگی، بر رضایت فردی تأثیر می‌گذارد و همچنین چه عواملی باعث اختلاف در میزان سرمایه فرهنگی می‌شوند. این دو محقق با تجزیه و تحلیل داده‌های خود به این نتایج دست یافتند: ۱- افرادی که تجربیات فرهنگی بیشتری را دارا بودند، رضایت و احساس خوشبختی بیشتری بیان می‌کردند؛ ۲- سرمایه فرهنگی بر روی کیفیت زندگی مؤثر است؛ ۳- درآمد و آموزش بیش از طبقه اجتماعی تعیین‌کننده سرمایه فرهنگی افراد است.

کاتز^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی، ارتباط میان ذائقه و مشارکت» به بررسی ارتباط بین ذائقه و مشارکت مطرح‌شده در تئوری بوردیو پرداخته است. او با در نظرگیری این دو عامل به عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی، ذائقه مخاطب خود را با توجه به علایق او به موسیقی، فیلم و هنرهای نمایشی و مشارکت فرد را نیز به عنوان حضور افراد در همین حوزه‌ها تعریف کرده است. سوئینگ و هیسوم^۲ (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان «اهمیت سرمایه فرهنگی: اختلاف فرهنگی و کیفیت



شکل ۱. مدل تجربی پژوهش
(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸)

1- Tally katz
2- Seoyong & Hyesun

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی:

- ۱) بین میزان تحصیلات با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.
- ۲) بین طول مدت سکونت با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.
- ۳) بین وضعیت اشتغال با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: با توجه به اینکه پژوهش حاضر با رویکرد کمی است، براساس هدف، از نوع کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. داده‌ها از طریق مصاحبه و با استفاده از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه جمع‌آوری شده‌است.

جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه افراد و خانوارهای ساکن در مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان هستند که براساس اطلاعات گردآوری شده حدود ۱۱۵۵۸۰۰ نفر در این مجتمع‌ها ساکن بوده‌اند.

حجم نمونه: در این پژوهش، به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد ۳۸۵ نفر از ساکنان مجتمع‌های مسکونی در مناطق ۹ گانه منتخب شهر اصفهان به عنوان نمونه انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری: در مرحله اول، برای مشخص کردن مناطق مورد بررسی، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین پانزده منطقه شهرداری شهر اصفهان، ابتدا مناطق ۹ گانه شهرداری شهر اصفهان را مشخص کردیم و در مرحله دوم، بعد از تنظیم لیست مجتمع‌های مسکونی چهار طبقه و بیشتر با کمک روش انتخاب تصادفی اتفاقی، تعدادی از این مجتمع‌ها

را به عنوان نمونه انتخاب و سپس از میان مجتمع‌های مسکونی هر منطقه تعداد واحد مسکونی را انتخاب کردیم و در آخر به سراغ واحد تحلیل این منازل مسکونی رفتیم و از میان این منازل، مجدداً با کمک روش نمونه‌گیری تصادفی اتفاقی، تعدادی واحد مسکونی را به منظور نمونه‌گیری انتخاب و پرسشنامه‌ها را به روش تصادفی بین ساکنان توزیع کردیم. از کل ۳۸۵ پرسشنامه، تعداد پرسشنامه‌های اختصاص داده شده به مجتمع‌های مسکونی سطح بالا (۷۶)، تعداد پرسشنامه‌های اختصاص داده شده به مجتمع‌های مسکونی سطح متوسط (۱۷۴) و تعداد پرسشنامه‌های اختصاص داده شده به مجتمع‌های مسکونی سطح پایین (۱۳۵) پرسشنامه بوده که میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی توزیع شده‌است.

ابزار پژوهش: ابزار گردآوری داده‌ها ترکیبی از پرسشنامه استاندارد و پرسشنامه محقق ساخته بوده‌است که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود. پرسشنامه این پژوهش از چهار قسمت تشکیل می‌شود؛ قسمت اول پرسشنامه مربوط به سؤالات جمعیت شناختی نظیر سن، جنس، شغل، تحصیلات، تعداد فرزندان، بومی یا مهاجر بودن ساکنان می‌شود (سؤالات ۱ تا ۹)، قسمت دوم پرسشنامه مربوط به سؤالات مجتمع مسکونی نظیر مدت زمان ساخت مجتمع، تعداد طبقات، تعداد واحدها، مساحت واحد مسکونی، طول مدت سکونت ساکنان در مجتمع، امکانات مجتمع و در قسمت چهارم پرسشنامه، سؤالات بر روی طیف لیکرت طراحی شده‌اند. برای مقیاس سازگاری اجتماعی از پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا استفاده می‌شود که این آزمون نیمرخ سازگاری فردی و اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند که (ثور، کلارک و تیگز) در سال ۱۹۳۹؛ به نقل از خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۸۶) برای اولین بار منتشر کردند. این آزمون دارای دو آزمون عمومی سازگاری خویشتن و

کشورها استفاده شده است و این مقیاس ابعاد مختلف مفهوم سازگاری اجتماعی را می‌سنجد؛ بنابراین مقیاس مذکور دارای اعتبار محتوا است.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

| متغیرها | تعداد گویه | میزان آلفا |
|---------------------------|------------|------------|
| سازگاری اجتماعی | ۲۲ | ۰/۸۸۶ |
| سرمایه فرهنگی | ۸ | ۰/۸۵۳ |
| سرمایه فرهنگی عینیت یافته | ۴ | ۰/۷۷۰ |
| سرمایه فرهنگی تجسم یافته | ۳ | ۰/۸۸۲ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

مشخصات توصیفی پاسخگویان

با توجه به تحلیل‌های توصیفی نمونه مورد بررسی، ۲۷/۵ درصد از کل نمونه را پاسخگویان زن و ۷۲/۵ درصد را پاسخگویان مرد تشکیل می‌دهد. از نظر متغیر سن، ۳۸/۴ درصد از کل نمونه ۵۰ سال و بالاتر هستند. ۳۰/۶ درصد نیز بین ۴۰ تا ۵۰ سال بودند. ۲۸/۱ درصد، ۳۰ تا ۴۰ سال و ۲/۹ درصد زیر ۳۰ سال. ۹۶/۹ درصد از کل نمونه متأهل، ۲/۱ درصد مجرد و ۱ درصد مطلقه هستند. متغیر سطح تحصیلات، متغیر دیگری است که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. براساس نتایج، ۴۸/۱ درصد از کل نمونه دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس هستند که بیشترین درصد از نمونه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و کمترین درصد یعنی ۲/۶، بی‌سواد هستند. از نظر طول مدت سکونت، ۶۸/۳ درصد از پاسخگویان که شامل بیشترین درصد پاسخگویان هستند، ۵ تا ۱۰ سال و ۷/۸ درصد، ۱۱ سال و بالاتر در مجتمع سکونت دارند. از نظر متغیر وضعیت اشتغال، ۵۳ درصد از کل نمونه کارمندان تشکیل می‌دهند که ۵/۷ درصد از کل نمونه افراد بازنشسته، ۹/۹ درصد کارگر و ۳۱/۴ درصد از کل نمونه مورد بررسی شغل آزاد داشته‌اند. ۱۹/۶ درصد از کل نمونه، در مناطق سطح بالا در مجتمع‌های

سازگاری اجتماعی است که در این پژوهش فقط بخش سازگاری اجتماعی آن در مورد مجتمع‌های مسکونی استفاده شده است. این بخش از آزمون دارای شش مقیاس است که عبارت‌اند از: مقیاس قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، گرایش ضداجتماعی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی و روابط آموزشی که مقیاس روابط خانوادگی به لحاظ اینکه تحقیق در مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی بود، حذف شد. در تحقیق حاضر، سنجش سرمایه فرهنگی براساس دیدگاه بوردیو در سه بُعد تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده مورد سنجش قرار گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: با توجه به اهداف، فرضیه‌ها و سطح سنجش متغیرهای تحقیق از عملیات زیر بهره گرفته شده است: در قسمت آمار توصیفی از فراوانی و درصد و در قسمت آمار استنباطی از تحلیل عاملی، تحلیل مسیر و مدل معادله ساختاری و همچنین آزمون آنوا استفاده شده و کلیه مراحل آماری با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS و Amos انجام شده است.

اعتبار و روایی پرسشنامه

اعتبار پژوهش حاضر از نوع اعتبار صوری است؛ بدین صورت که پرسشنامه توسط چند تن از استادان جامعه‌شناسی بررسی شد و در نهایت مورد تأیید قرار گرفت. در خصوص پایایی نیز که به بررسی قابلیت تکرارپذیری ابزار تحقیق می‌پردازد، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای به دست آمده بیانگر میزان روایی مناسب تک تک متغیرهای تحقیق است (جدول ۱). همچنین از مدل‌های اندازه‌گیری تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد؛ بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه طراحی شده برای انجام این پژوهش از قابلیت اعتماد کافی برخوردار است. از آنجاکه مقیاس سازگاری اجتماعی توسط محققان در ایران و دیگر

جدول ۲. نتایج آزمون کلموگروف- اسمیرنف در نمونه

| متغیرها | آماره کولموگروف- | سطح |
|---------|------------------|-------|
| سازگاری | ۰/۹۱۲ | ۰/۳۷۷ |
| سرمایه | ۱/۳۱۲ | ۰/۰۶۴ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ است، ادعای نرمال بودن سؤالات پرسشنامه پذیرفته شده است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و از روش ML در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کرد.

برآورد و آزمون الگوهای اندازه‌گیری (الگوهای عاملی تأییدی)

برای مشخص کردن اینکه شاخص‌ها تا چه اندازه برای الگوهای اندازه‌گیری قابل قبول هستند، ابتدا باید تمام الگوهای اندازه‌گیری جداگانه مورد تحلیل قرار گیرد. بر مبنای اتخاذ چنین روشی ابتدا الگوهای اندازه‌گیری که مربوط به متغیرها هستند، به‌طور مجزا مورد آزمون قرار می‌گیرند. شاخص‌های کلی برازش الگو برای الگوهای اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) در جدول ۳ ارائه شده است.

مسکونی زندگی می‌کردند که کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند و تعداد ۱۷۵ نفر در سطح مناطق متوسط مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان ساکن بودند که با توجه به نتایج، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند و تعداد ۱۳۵ نفر در مناطق سطح پایین سکونت داشته‌اند.

از نظر سرمایه فرهنگی، در مناطق (۶، ۹) سرمایه فرهنگی بالا، سرمایه فرهنگی مناطق (۲، ۵) پایین و سرمایه فرهنگی مناطق (۱، ۴، ۷، ۸، ۱۰) متوسط است. در حقیقت در پژوهش حاضر، مناطق سطح بالای شهر به علت داشتن تحصیلات و درآمد بالاتر و پایگاه اقتصادی بالاتر، به مراتب دارای سرمایه فرهنگی بالاتری نسبت به مناطق سطح پایین شهر هستند.

آزمون کولموگروف- اسمیرنف

در پژوهش حاضر از آزمون کولموگروف- اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن سؤالات پرسشنامه استفاده شده است تا در صورت برقرار بودن این شرط بتوان از آزمون‌های آماری پارامتریک و هم‌چنین از روش حداکثر درست‌نمایی در معادلات ساختاری استفاده کرد. نتایج این آزمون در جدول ۲ آمده است.

جدول ۳. شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری

| وضعیت | مقدار مطلوب | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | سرمایه فرهنگی | سازگاری اجتماعی | شاخص | |
|-------|-------------------|---------------------------|--------------------------|---------------|-----------------|----------|-------------|
| | | | | | | انگلیسی | معادل فارسی |
| - | - | ۶۸/۷۹ | ۳۴۵/۱۷ | ۱۱۴/۱۲ | ۸/۳۵ | χ^2 | معیار خی دو |
| مطلوب | کمتر از ۰/۰۵ | ۰/۰۴۹ | ۰/۰۴۱ | ۰/۰۳۶ | ۰/۰۲۲ | RMR | ریشه |
| مطلوب | مساوی یا بیشتر از | ۰/۹۶ | ۰/۹۹ | ۰/۸۹ | ۰/۹۹ | CFI | شاخص |
| مطلوب | مساوی یا بیشتر از | ۰/۹۶ | ۰/۹۹ | ۰/۸۹ | ۰/۹۹ | IFI | شاخص |
| مطلوب | بزرگ‌تر از ۰/۵۰ | ۰/۵۲ | ۰/۶۰ | ۰/۵۲ | ۰/۵۱ | PGFI | شاخص |
| مطلوب | کمتر از ۰/۱ | ۰/۰۵۱ | ۰/۰۹۴ | ۰/۰۸۸ | ۰/۰۶۴ | RMSEA | ریشه |
| مطلوب | بین ۱ تا ۳ | ۲/۹۶ | ۲/۶۹ | ۲/۹۰ | ۳/۰۹ | CMIN/DF | معیار خی دو |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

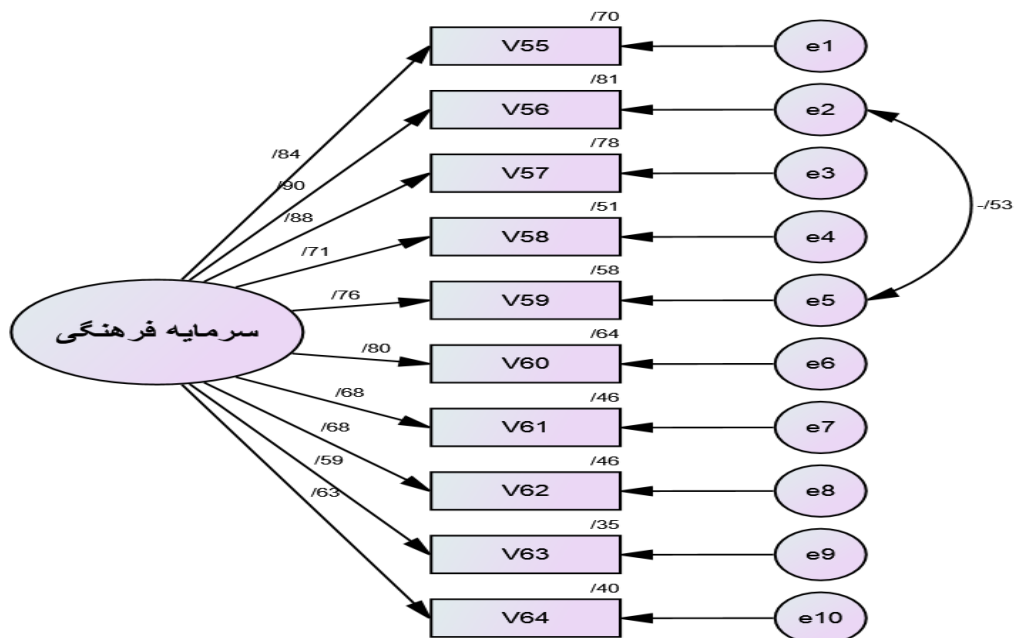
خوبی برخوردار هستند و به عبارتی دیگر، شاخص‌های کلی این مورد را که داده‌ها به خوبی از الگوها حمایت می‌کنند، تأیید می‌کنند.

نتایج جدول (۳)، گویای این مطلب است که شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری در سطح قابل قبولی قرار دارند و الگوهای اندازه‌گیری از برازش

جدول ۴. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه فرهنگی

| شاخص | سؤالات | بار عاملی | سطح معنی‌داری |
|-------------------------|---|-----------|---------------|
| برای تایید الگوها | ۵۵- به تماشای تئاتر و فیلم‌های هنری علاقه‌مند هستیم. | ۰/۸۳۹ | ۰/۰۰۰ |
| | ۵۶- تا چه حد علاقه‌مند به بازدید از موزه‌ها یا نمایشگاه‌های هنری، نمایشگاه فرش و نمایشگاه کتاب هستید؟ | ۰/۹۰۱ | ۰/۰۰۰ |
| | ۵۷- میزان علاقه شما به موسیقی، نویسندگی، شعر و ادبیات، نقاشی و امور هنری چقدر است؟ | ۰/۸۸۲ | ۰/۰۰۰ |
| | ۵۸- چقدر زمان برای خواندن و مطالعه در طول روز صرف می‌کنید؟ | ۰/۷۱۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۵۹- هزینه خرید کتاب و مجلات شما در طول یک ماه گذشته چقدر بوده‌است؟ | ۰/۷۶۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۶۰- تا چه حدی از رسانه‌های جمعی مثل اینترنت، رادیو، تلویزیون و محصولات فرهنگی در طول روز استفاده می‌کنید؟ | ۰/۸۰۰ | ۰/۰۰۰ |
| | ۶۱- تاکنون چه تعداد مدارک، گواهینامه و تقدیرنامه‌های علمی، مهارتی، آموزشی یا زبان برای شما صادر شده‌است؟ | ۰/۶۷۹ | ۰/۰۰۰ |
| | ۶۲- تا چه حد به کلاس‌های هنری یا باشگاه‌ها و کلوب‌های ورزشی می‌روید؟ | ۰/۶۸۱ | ۰/۰۰۰ |
| | ۶۳- میزان عضویت شما در یک سال گذشته در کتابخانه‌ها یا فرهنگسراهای سطح شهر چقدر بوده‌است؟ | ۰/۵۹۰ | ۰/۰۰۰ |
| | ۶۴- تا چه حد به سینما می‌روید یا در کنسرت‌ها و موسیقی شرکت می‌کنید؟ | ۰/۶۳۳ | ۰/۰۰۰ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۲. الگوی تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه فرهنگی

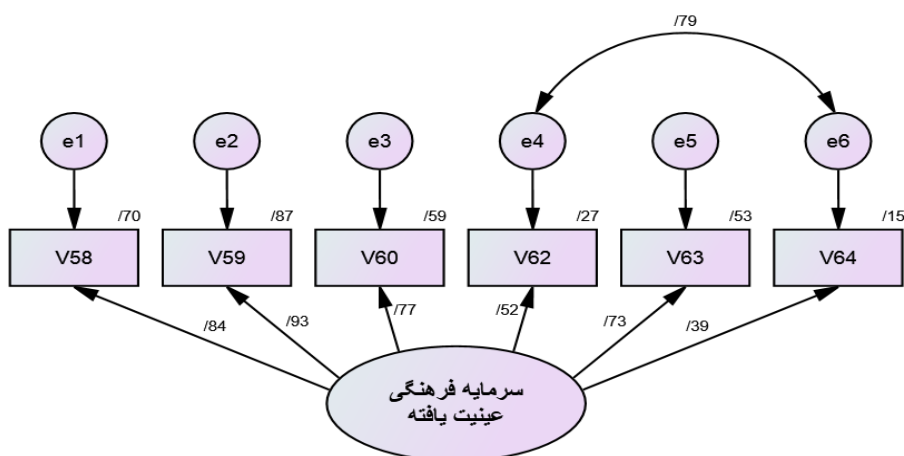
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول (۴) و شکل (۲) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در همه سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig} < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد.

جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی تأییدی سرمایه فرهنگی عینیت یافته، تجسم یافته و نهادینه شده

| سرمایه فرهنگی نهادینه شده | | | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | | | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | | |
|---------------------------|-----------|------|--------------------------|-----------|------|---------------------------|-----------|------|
| سطح معنی‌داری | بار عاملی | گویه | سطح معنی‌داری | بار عاملی | گویه | سطح معنی‌داری | بار عاملی | گویه |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۹۱۷ | ۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۴۷ | ۵۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۸۳۷ | ۵۸ |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۸۰۳ | ۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۹۳۵ | ۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۹۳۱ | ۵۹ |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۷۲۱ | ۶۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۹۵۲ | ۵۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۶۸ | ۶۰ |
| | | | | | | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۲۲ | ۶۲ |
| | | | | | | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۲۶ | ۶۳ |
| | | | | | | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۸۷ | ۶۴ |

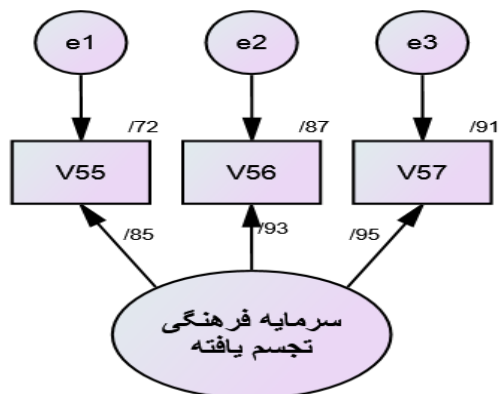
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۳. الگوی تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

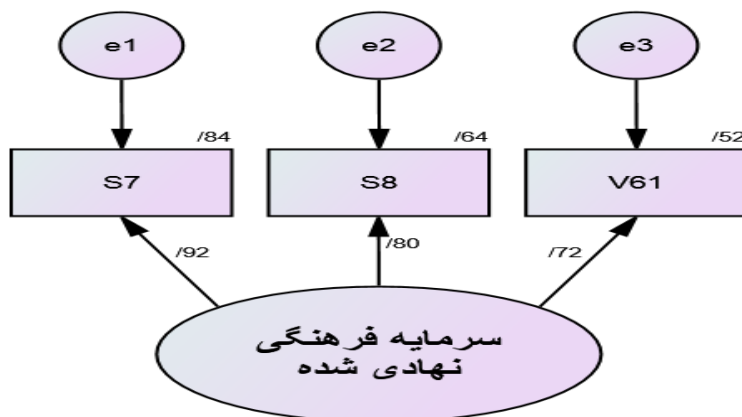
شکل (۳) و جدول (۵) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در اکثر سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد.



شکل ۴. الگوی تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

شکل (۴) و جدول (۵) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در اکثر سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد.

شکل (۴) و جدول (۵) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در اکثر سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به



شکل ۵. الگوی تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه فرهنگی نهادی شده
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

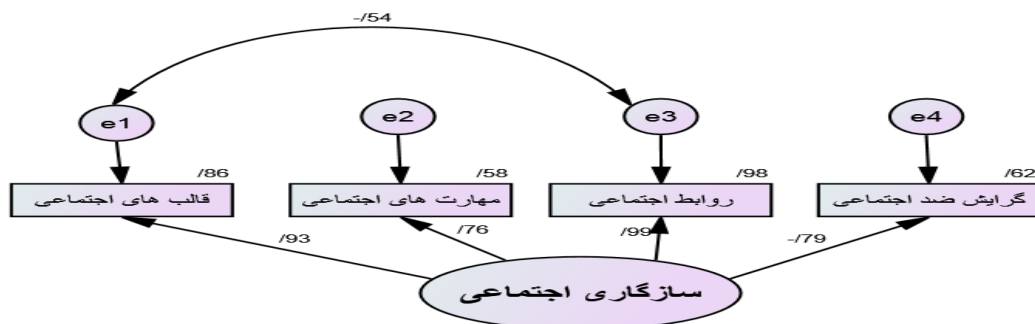
شکل (۵) و جدول (۵) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در اکثر سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig} < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد.

شکل (۵) و جدول (۵) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در اکثر سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به

جدول ۶. نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیر سازگاری اجتماعی

| سازگاری اجتماعی | | |
|-------------------|-----------|---------------|
| متغیر | بار عاملی | سطح معنی داری |
| قالب‌های اجتماعی | ۰/۹۳۰ | ۰/۰۰۰ |
| مهارت‌های اجتماعی | ۰/۷۶۰ | ۰/۰۰۰ |
| روابط اجتماعی | ۰/۹۹۰ | ۰/۰۰۰ |
| گرایش ضد اجتماعی | -۰/۷۸۶ | ۰/۰۰۰ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۶. الگوی تحلیل عاملی تأییدی متغیر سازگاری اجتماعی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

در فرضیه اول که رابطه و تأثیر بین سرمایه فرهنگی بر میزان سازگاری اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاخص‌های کلی حاصل از برازش مدل معادلات ساختاری مربوط به فرضیه اول در جدول ۷ آمده است. هم‌چنین مدل ساختاری مربوط در شکل ۷ ارائه شده است.

شکل (۶) و جدول (۶) نشان می‌دهد که مقدار بارهای عاملی در همه سؤالات بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} < 0/05$) می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجد. فرضیه اصلی: بین سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.

جدول ۷. شاخص‌های کلی برازش تحلیل مدل معادلات ساختاری فرضیه اول

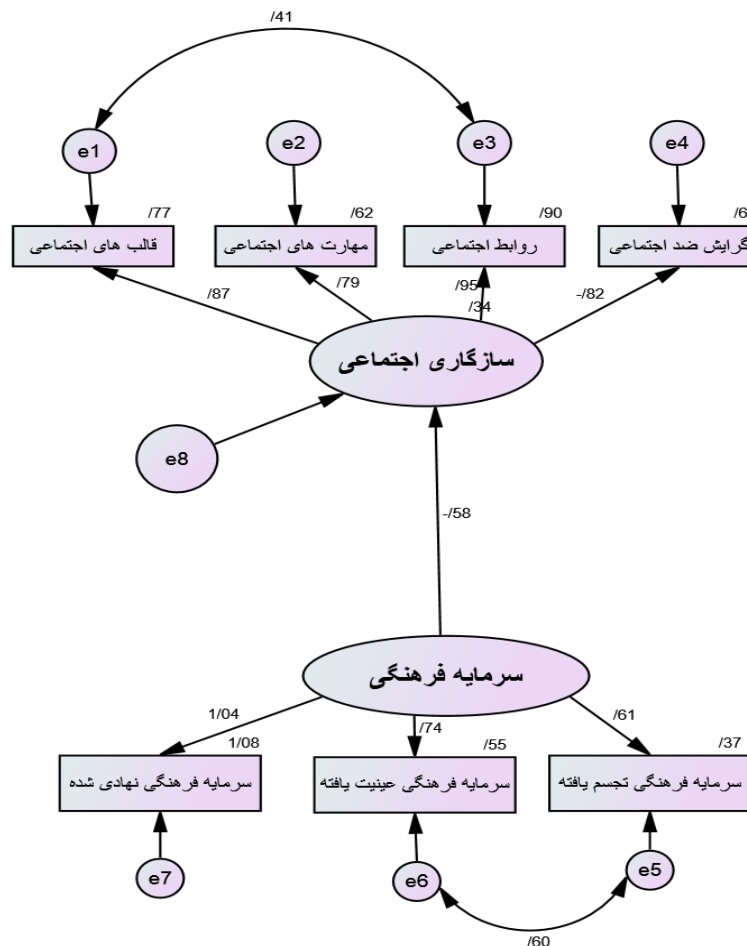
| وضعیت | مقدار مطلوب | مقدار | شاخص | |
|-------|------------------------|--------|----------|---------------------------------|
| | | | انگلیسی | معادل فارسی |
| - | - | ۱۴۰/۳۸ | χ^2 | خی دو |
| مطلوب | کمتر از ۰/۰۵ | ۰/۰۴۴ | RMR | ریشه میانگین مربعات باقی مانده |
| مطلوب | مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰ | ۰/۹۴ | CFI | شاخص برازش تطبیقی |
| مطلوب | مساوی یا بیشتر از ۰/۹۰ | ۰/۹۴ | IFI | شاخص برازش افزایشی |
| مطلوب | بزرگ‌تر از ۰/۵۰ | ۰/۵۹ | PGFI | شاخص نیکویی برازش مقتصد |
| مطلوب | کمتر از ۰/۱ | ۰/۰۷۵ | RMSEA | ریشه میانگین مربعات خطای برآورد |
| مطلوب | بین ۱ تا ۳ | ۲/۶۵ | CMIN/DF | خی دو بهنجار شده |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۸. ضریب رگرسیونی (نتیجه آزمون فرضیه اصلی)

| نتیجه | P | مقدار بحرانی | ضریب رگرسیونی | فرضیه |
|-------|-------|--------------|---------------|---------------------------------|
| تأیید | ۰/۰۰۰ | -۹/۸۹۷ | -۰/۵۸۳ | سرمایه فرهنگی ← سازگاری اجتماعی |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)



شکل ۷. مدل معادلات ساختاری فرضیه اصلی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

حاضر، سرمایه فرهنگی بر میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع های مسکونی تأثیر دارد؛ یعنی افزایش سرمایه فرهنگی به مراتب، باعث کاهش سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع های مسکونی می شود؛ بنابراین از این فرضیه نتیجه می گیریم که هرچه سرمایه فرهنگی ساکنان مجتمع های مسکونی بالاتر باشد، میزان سازگاری آن ها پایین تر است. با توجه به

ضریب تأثیر استاندارد شده برای فرضیه اول پژوهش $-0/583$ و مقدار P نشان از تأیید این فرضیه دارد. پس با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که بین سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن ها در مجتمع های مسکونی رابطه معنی دار معکوس و منفی وجود دارد و نتیجه می گیریم که فرضیه اول پژوهش مورد پذیرش واقع شد. در پژوهش

ساکنان بیشتر است و برعکس، ساکنان مجتمع‌های مسکونی مناطقی که سرمایه فرهنگی بالاتری داشته‌اند، میزان سازگاری آن‌ها با ساکنان کمتر بوده‌است.

فرضیه‌های فرعی

۱ - بین میزان تحصیلات با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد. برای مقایسه میانگین دو یا چند جامعه (یعنی تأثیر یک متغیر مستقل گروه‌بندی بر یک متغیر کمی وابسته) از آزمون آنوا استفاده می‌شود.

نتایج توصیفی مناطق سطح بالای شهر به علت داشتن تحصیلات و درآمد بالاتر و پایگاه اقتصادی بالاتر، به مراتب دارای سرمایه فرهنگی بالاتری نسبت به مناطق سطح پایین شهر هستند و مناطق سطح پایین شهر به علت مرادده با همسایگان و رفت و آمد بالا و پایین بودن سطح سرمایه فرهنگی، به مراتب دارای سازگاری اجتماعی بالاتری نسبت به مناطق سطح بالای شهر هستند. در واقع منطقه ۶ و قسمتی از منطقه ۹ به علت بالا بودن سرمایه فرهنگی، به مراتب سازگاری اجتماعی پایین‌تری داشته‌اند؛ بنابراین ساکنان مجتمع‌های مسکونی مناطقی که سرمایه فرهنگی پایین‌تری داشتند، میزان سازگاری آن‌ها با همسایه‌ها و

جدول ۹. آزمون لوین برای ارزیابی پیش فرض برابری واریانس‌های نمرات سازگاری اجتماعی

| F | درجه آزادی ۱ | درجه آزادی ۲ | معنی داری |
|-------|--------------|--------------|-----------|
| ۰/۹۶۷ | ۴ | ۳۷۸ | ۰/۴۰۸ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

راهنمایی، متوسطه و دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر) را نشان می‌دهد.

بر اساس جدول ۹، پیش فرض لوین مبنی بر برابری واریانس‌ها در سازگاری اجتماعی تأیید می‌شود. جدول ۱۰ نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرها در شش جامعه (بی‌سواد، نهضت و ابتدایی، سیکل و

جدول ۱۰. نتایج آزمون متغیر سازگاری اجتماعی بر اساس سطح تحصیلات

| متغیر | Sig | F | میانگین توان دوم | درجه آزادی | مجموع توان دوم |
|-----------------|------------|--------|------------------|------------|----------------|
| سازگاری اجتماعی | بین گروهی | ۶۱/۴۶۸ | ۴۸۶۹/۶۰۰ | ۵ | ۲۴۳۴۸/۰۰۱ |
| | درون گروهی | | ۷۹/۲۲۲ | ۳۷۹ | ۳۰۰۲۴/۹۹۶ |
| | کل | | | ۳۸۴ | ۵۴۳۷۲/۹۹۷ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

بررسی چگونگی این تفاوت از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده‌است که نتایج به دست آمده در جدول زیر آورده شده‌است.

با توجه به اینکه مقدار Sig آزمون برای متغیر سازگاری اجتماعی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین این چند جامعه (مقاطع مختلف تحصیلی) تفاوت معناداری وجود دارد. برای

جدول ۱۱. جدول آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین سازگاری اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات

| زیرمجموعه‌ها برای $\alpha=0.05$ | | | | تعداد | سطح تحصیلات |
|---------------------------------|--------|--------|--------|-------|---------------------|
| گروه ۴ | گروه ۳ | گروه ۲ | گروه ۱ | | |
| | | | ۵۶/۲۳ | ۸۴ | فوق لیسانس و بالاتر |
| | | ۷۱/۴۹ | | ۵۱ | متوسطه و دیپلم |
| | ۷۲/۵۹ | ۷۲/۵۹ | | ۱۸۵ | فوق دیپلم و لیسانس |
| ۷۹ | ۷۹ | | | ۱۰ | بی‌سواد |
| ۷۹ | ۷۹ | | | ۱۲ | نهیضت و ابتدایی |
| ۸۱/۱۱ | | | | ۴۳ | سیکل و راهنمایی |
| ۰/۹۶۱ | ۰/۱۱۹ | ۰/۹۹۸ | ۱/۰۰۰ | | سطح معنی‌داری |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

تحصیلات پایین‌تری در مجتمع‌های مسکونی زندگی می‌کنند، از میزان سازگاری بیشتری برخوردارند.

فرضیه اول: بین طول مدت سکونت با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۲ نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرها در سه جامعه (زیر ۵ سال، ۵ تا ۱۰ سال، ۱۱ سال و بیشتر) را نشان می‌دهد.

نتایج جدول (۱۱) نشان می‌دهد که سطح تحصیلات مختلف، در میزان سازگاری اجتماعی تفاوت ایجاد می‌کند، کمترین میزان سازگاری اجتماعی در مقطع فوق لیسانس و بالاتر و بیشترین میزان سازگاری اجتماعی در مقطع سیکل و راهنمایی است؛ اما از طرف دیگر، شاهد چهار گروه متفاوت بین مقاطع مختلف تحصیلی از لحاظ سازگاری اجتماعی هستیم؛ بنابراین از این پژوهش نتیجه می‌گیریم افرادی که دارای تحصیلات بالاتری بوده‌اند، از میزان سازگاری کمتری برخوردار هستند و برعکس افرادی که با سطح

جدول ۱۲. نتایج آزمون متغیر سازگاری اجتماعی بر اساس طول مدت سکونت

| متغیر | Sig | F | میانگین توان دوم | درجه آزادی | مجموع توان دوم |
|-----------------|-------|-------|------------------|------------|----------------|
| سازگاری اجتماعی | ۰/۰۵۳ | ۳/۱۶۱ | ۴۴۲/۶۱۰ | ۲ | ۸۸۵/۲۲۱ |
| | | | ۱۴۰/۰۲۰ | ۳۸۲ | ۵۳۴۸۷/۷۷۷ |
| | | | | ۳۸۴ | ۵۴۳۷۲/۹۹۷ |
| کل | | | | | |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

هرچه طول مدت سکونت افراد در مجتمع مسکونی بیشتر باشد، میزان سازگاری افراد بیشتر است که در این پژوهش این فرضیه تأیید نمی‌شود و سازگاری ساکنان در مجتمع مسکونی ربطی به مدت سکونت آن‌ها در مجتمع مسکونی ندارد.

با توجه به اینکه مقدار sig آزمون برای متغیر سازگاری اجتماعی بزرگ‌تر از 0.05 است، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین این چند جامعه (طول مدت سکونت) تفاوت معنادار وجود ندارد؛ یعنی طول مدت سکونت افراد در مجتمع مسکونی، در سازگاری اجتماعی آن‌ها تأثیری نداشته‌است. به نظر می‌رسد

جدول ۱۳ نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرها در چهار جامعه (کارمند، کارگر، آزاد و بازنشسته) را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: بین وضعیت اشتغال با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۳: نتایج آزمون متغیرها براساس شغل افراد

| متغیر | Sig | F | میانگین توان دوم | درجه آزادی | مجموع توان دوم |
|------------|-------|-------|------------------|------------|----------------|
| بین گروهی | ۰/۲۰۳ | ۲/۷۴۱ | ۵۶۴/۸۶۰ | ۵ | ۸۲۴/۳۰۲ |
| درون گروهی | | | ۱۲۲/۸۲۰ | ۳۷۹ | ۶۵۴۸/۶۹۵ |
| کل | | | | ۳۸۴ | ۴۳۷۲/۹۹۷ |

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

مسکونی نیز می‌توان در نحوه برخورد برخی از افراد و رفتارهایی که انجام می‌دهند، مشاهده کرد. سازگاری به افراد کمک می‌کند که به نحو مؤثری تفاوت‌های فرهنگی را کنترل و مدیریت کنند. فردی که دارای سازگاری اجتماعی باشد باید تفاوت‌های فرهنگی را درک کند؛ بنابراین برای عملکرد مؤثر و رابطه بهتر باید سازگاری اجتماعی را بهبود بخشید. به نظر می‌رسد سازگاری اجتماعی، کلید موفقیت در دنیای کنونی است که باعث می‌شود تفاوت‌ها را درک کرده و بر روی آن سرمایه‌گذاری کنیم و آن‌ها را تحمل کرده یا نادیده بگیریم. سازگاری اجتماعی یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه رفتار شهروندی است. بر این اساس در این پژوهش رابطه سرمایه فرهنگی با میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی سنجیده شده و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان (ساکنان مجتمع‌های مسکونی) با توجه به مناطق منتخب شهرداری اصفهان متفاوت است.

همچنین سنجش سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه سرمایه فرهنگی ساکنان بالاتر باشد، میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در

با توجه به اینکه مقدار Sig آزمون برای متغیر سازگاری اجتماعی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین این چند جامعه (کارمند، کارگر، آزاد و بازنشسته) تفاوت معنادار وجود ندارد.

در این پژوهش، شغل افراد با میزان سازگاری آن‌ها ارتباطی ندارد، اگرچه به نظر می‌رسد کارمندان و بازنشستگان به دلیل نظم و انضباط بیشتر، سازگاری بالاتری داشته باشند، ولی این فرضیه مورد تأیید واقع نشد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی سرمایه فرهنگی بر میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان است. پرداختن به بحث سازگاری اجتماعی به‌ویژه در دهه‌های اخیر را باید ناشی از نیازی دانست که بشر امروزی با آنکه مواجه است. نیاز هرچه بیشتر به سازگاری به‌خصوص سازگاری اجتماعی میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف و در مجتمع‌های مسکونی به‌سادگی قابل‌دستیابی نیست. بدبینی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف ریشه‌های تاریخی و بلندمدت دارد. سازگاری اجتماعی تاکنون در محیط‌های شغلی، تحصیلی و خانوادگی بررسی شده است؛ ولی در مجتمع‌های

سرمایه فرهنگی ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.

در مورد سطح تحصیلات ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان و رابطه آن با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها، نتایج نشان داد که بین سطح تحصیلات ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی افرادی که تحصیلات پایین‌تری داشته‌اند، میزان سازگاری اجتماعی بالاتری در مجتمع‌های مسکونی داشته‌اند و افرادی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند، میزان سازگاری اجتماعی پایین‌تری داشتند.

از نظر طول مدت سکونت، نتایج تحقیق نشان داد که بین طول مدت سکونت ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان تفاوت معناداری وجود ندارد؛ یعنی در این پژوهش، سازگاری اجتماعی ساکنان ربطی به طول مدت سکونت آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی ندارد.

از نظر شغل افراد، نتایج تحقیق نشان داد که بین شغل ساکنان با میزان سازگاری اجتماعی آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی شهر اصفهان تفاوت معناداری وجود ندارد؛ یعنی سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی ربطی به شغل افراد ندارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱- تعداد طبقات و ازدحام در مجتمع‌های مسکونی، احساس تنهایی و بیگانگی ساکنان را افزایش می‌دهد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود ظرفیت مجتمع‌های مسکونی از لحاظ تعداد طبقات و واحدها به گونه‌ای طراحی شوند که ساکنان قادر به برقراری ارتباط با دیگر ساکنان باشند.

۲- آموزش فرهنگ زندگی جمعی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند اثربخشی بیشتری برای افراد

مجتمع‌های مسکونی پایین‌تر است؛ بنابراین در این پژوهش، سرمایه فرهنگی ساکنان باعث افزایش سازگاری آن‌ها در مجتمع‌های مسکونی نشده‌است. براساس نظریه بوردیو، استنباط می‌شود افرادی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، روابط بیشتری با دیگران دارند. همچنین، با توجه به این که سرمایه فرهنگی باعث ایجاد پرستیژ برای افراد می‌شود، اعتماد به نفس افراد افزایش می‌یابد، آن‌ها به مشارکت در جامعه و ادار می‌شوند و به نوعی این سرمایه، محرک ایجاد سرمایه‌های اجتماعی برای این افراد است؛ در نتیجه، نگاه یک فرد به سازگاری اجتماعی متأثر از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در اختیار وی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، افرادی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، از میزان سازگاری اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند و برعکس، افرادی که سرمایه فرهنگی پایینی داشته‌اند، از میزان سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان سازگاری اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر اصفهان نداشته‌است؛ به عنوان مثال پاسخگویانی که از سطح سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار بودند، سازگاری اجتماعی کمتری داشته‌اند. به طور دقیق‌تر، میزان کالاهای فرهنگی تحت تملک ساکنان، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در سازگاری اجتماعی نبوده‌است و این برخلاف نتایج تحقیق منادی (۱۳۸۸) است که به روش کیفی انجام داده بود؛ زیرا وی نتیجه گرفت افراد با سرمایه فرهنگی پایین، کمتر با همسایه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند زیرا نوع ارتباطی که طلب می‌کنند کمتر در آپارتمان قابل اجراست؛ در حالی که افراد با سرمایه فرهنگی بالا بهتر می‌توانند با همسایه‌ها ارتباط برقرار کنند، هرچند نوع ارتباطشان متفاوت است؛ بنابراین برخلاف نظریه بوردیو، در این پژوهش بین

پروین، لارنس ای. (۱۳۷۴). روان‌شناسی شخصیت. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: انتشارات سمت.

پورمقدس، علی. (۱۳۶۷). روان‌شناسی سازگاری. اصفهان: انتشارات اصفهان.

حجازی، سارا؛ امیری، شعله؛ محمدیان، احمدیار؛ ملک‌پور-مختار. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری اجتماعی در زنان مبتلا به اختلال دو قطبی، مجله تحقیقات علوم رفتاری، صاحب‌امتیاز دانشگاه علوم-پزشکی اصفهان (مرکز تحقیقات علوم رفتاری)، دوره ۴ شماره-۲، صص ۵۲-۵۸.

<http://ensani.ir/fa/article/191147/>

حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و بازتولید بین نسلی: تأثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان در شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، صاحب‌امتیاز سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، سال نهم. شماره ۲۱، صص ۷۰-۵۳.

http://icsq.journals.iau.ir/article_513735.htm

خطیبی، اعظم. (۱۳۹۶). تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر نشاط اجتماعی شهروندان شهر همدان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، صاحب‌امتیاز دانشگاه آزاد دهقان، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۱۳۴-۱۰۷.

<http://ensani.ir/fa/article/370842/>

روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۸). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: انتشارات عطار.

زکی، محمد علی. (۱۳۸۹). سازگاری با دانشگاه و رابطه آن با حمایت اجتماعی دانشجویان، فصلنامه جوانان و فرهنگ و جامعه، صاحب‌امتیاز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۷.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=147470>

شارع پور، محمود؛ رزاقی، نادر؛ ابراهیمی گتایی، حسن. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر میزان روابط همسایگی در شهر بابل. مجله جامعه‌شناسی ایران، صاحب‌امتیاز انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۹۴-۷۷.

http://www.jsi-isa.ir/article_26737.html

داشته‌باشد و آن‌ها را برای زندگی در این محیط‌ها آماده کند.

۳- آموزش فرهنگ آپارتمان‌نشینی از طریق رسانه‌های جمعی یا تهیه بروشورهای تبلیغاتی مربوط در این زمینه توسط شهرداری‌ها یا اداره ارشاد یا سازمان تفریحی ورزشی شهرداری.

۴- هیئت‌مدیره موظف شود سطح فرهنگی ساکنان و سطح اقتصادی آن‌ها نزدیک به هم باشد؛ چه برای اجاره و چه برای خرید، تا مشکلات کمتری پیش‌بیاید.

۵- وضع قوانینی برای برقراری نظم بیشتر و ایجاد یک مرکز تجمع در مجتمع‌های مسکونی برای رسیدگی به مسائل و مشکلات ساکنان مجتمع در ساعت خاصی از روز یا هفته.

پیشنهاد‌های پژوهشی

با توجه به گستردگی و رشد الگوی زندگی آپارتمانی، لزوم تحقیق و پژوهش بیشتر با روش‌های متفاوت مثل روش‌های کیفی یا ترکیبی توسط پژوهشگران و دانشجویان انجام شود. عوامل ناسازگاری در مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی قرار گیرد و سازگاری اجتماعی بین خانه‌های ویلایی و آپارتمانی توسط پژوهشگران مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مجتمع‌های مسکونی توسعه یابند و تأثیر آن در رفتار شهروندی تحقیق و بررسی شود.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ سرگزی، زینب. (۱۳۸۹). آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن (مطالعه موردی: شهر زاهدان). چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.

<https://elmnet.ir/article/20177997-15891>

اسلامی‌نسب، علی. (۱۳۷۴). روان‌شناسی سازگاری. تهران: نشر بنیاد.

Cheshire, L and Fitzgerald, R and Clarke A and Raymond, S (2013). Neighbourhood problems in Neighbourhood context: understanding how neighbourhood influence the prevalence of neighbourly problems and complaints, paper presented to the session How Much do urban neighbourhoods matter globalized space Rc 21 conference Berlin.

Goodstein L.D & Lanyon R.T (1995). Adjustment behavior and personality, Arizona state university.

Katz-Gerro, Tally (2008), "Cultural Capital: Between Taste and Participation", A newsletter of the consumer studies research network, Vol. 9, No. 2, (May), pp: 1-6.

https://csrn.camden.rutgers.edu/pdf/9-2_katz.pdf

Seoyong, Kim; Hyesun Kim, (2008), "Does Cultural Capital Matter? Cultural Divide and Quality of Life", Social Indicators Research, Volume 93, Issue 2, pp: 295-313.

<https://link.springer.com/article/10.1007/s11205-008-9318-4>

Van Eijk, G (2012), Good neighbours in bad neighbourhoods. narratives of dissociation and practices of neighbouring in a problem place. urban studies.

شکوهی، علی. (۱۳۸۲). جمعیت و توسعه، مجموعه مقالات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی در ایران تهران، مؤسسه انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مصرف موسیقی تهران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.

کوثری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر روابط همسایگی در محله کن تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، تهران.

گلابچی، محمود. (۱۳۸۰). معیارهایی برای طراحی و ساخت بناهای بلند، هنرهای زیبا، صاحب امتیاز پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۹، صص ۶۲-۵۲.

<http://ensani.ir/fa/article/13644/>

وایتسمن، الیس؛ مایر، جان؛ و مینینگر، ویلیام کلر. (۱۳۷۵). رشد شخصیت و بهداشت روانی. ترجمه سیما نظیری. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.